



نگاهی به دلایل تلاش رسانه های بیگانه برای تظهير رژیم پهلوی

اگر ماه پشت ابر بماند؟

که عملکردهای آن ها، به شکل نوعی خدمت صادقانه، در ذهن مخاطب، تداعی شود. این رویه، به ویژه در مورد رضاخان و فعالیت های به ظاهر عمرانی او، جلوه ای تام و تمام پیدا کرده است. ضرباهنگ ارائه مطالب در این دسته از مستندها، زمانی که به فعالیت های عمرانی می رسد، به شدت کند و وقتی به حوادث و رویدادهای بحث برانگیز می رسد، به شدت تند می شود و گاه حتی بدون اشاره ای گذرا به ماجرا، از کنار آن می گذرد. به این ترتیب آن چه باقی می ماند، با اضافات و جلوه های بصری و شنیداری لازم، چهره ای خوشایند از دوران پهلوی را در مقابل دیدگان بیننده قرار می دهد. به عنوان نمونه در مستندی که چندی پیش در باره رضاخان، از یکی از این شبکه های ماهواره ای پخش شد، سازندگان در طرح موضوع توسعه راه آهن ایران، مسئله عدم عبور راه آهن از شهرهای بزرگ و ایراداتی که بعدها توسط برخی چهره های سیاسی، نظیر دکتر مصدق به آن وارد شده بود را به سکوت برگزار کردند. یادار جریان به حکومت رسیدن رضاخان، ابدآز نقش ار دشیر ریپورتر، آبرون ساید و سایر دست اندر کاران و تسهیل کنندگان رسیدن رضاخان به قدرت حرفی نمی زنند. این رویه در مورد محمدرضا نیز به شدت دنبال شده است. در مستند «انقلاب ۵۷»، که توسط شبکه «من و تو» پخش شد، بررسی دلایل وقوع انقلاب از دهه پنجاه شروع می شود و سازندگان می کوشند با استفاده از آرشیو خود، همه چیز را به نفع شاه و سیاست های او تغییر دهند. باین حال، تغییر محتوای اصلی تاریخ در قالب جلوه های بصری به همین موارد خلاصه نمی شود. عمده مواردی که می توان از آن ها به عنوان محذوفات (حذف شده های) تاریخی رایج در این مستندها نام برد، عبارتند از:

۱- تشکیک در ماهیت مخالفان رژیم

مستندهایی مانند «انقلاب ۵۷»، اصولاً با رویکرد شاه در مقابل مخالفانش را به تصویر نمی کشند، یا در پی انحراف فکری بیننده از شناخت دقیق جریان های مخالف شاه هستند. در

جعل برای تظهير



تلاش برای تظهير رژیم پهلوی از جنایات و خیانت هایی که در حق مردم مرتکب شده است، با هدف غیر لازم نشان دادن انقلاب و متهم کردن مردم شریف و آگاه ایران به اشتباه و زیاده روی، به موازات فاصله گرفتن از روزهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، روندی رو به رشد داشته است. این رویکرد، به خصوص در سال های اخیر، شتابی مضاعف یافته و حتی برخی افراد و گروه ها، که زمانی خود را مخالف سر سخت رژیم پهلوی نشان می دادند، هم صدا با عناصر سلطنت طلب، به پراکندن چنین دیدگاهی در پایگاه های اینترنتی و شبکه های ماهواره ای خود مشغول هستند؛ به طوری که می توان اقدامات رسانه ای و تبلیغاتی این جریان ها را، در ترویج تاریخ ساختگی دوران پهلوی، یک جنگ تمام عیار رسانه ای نامید. با وجود این که این سیاست، طی سال های پس از انقلاب و از طریق رسانه هایی مانند رادیو و گاه از طریق چاپ خاطرات افراد بلند پایه رژیم گذشته، دنبال می شد، اما دو محدودیت مهم، یعنی نزدیکی تاریخی به روزهای انقلاب و فقدان رسانه فراگیر، مانع از استفاده گسترده این جریان از جعل تاریخ بود. با تغییر شرایط و مساعد شدن اوضاع برای سوء استفاده، طی دهه اخیر، سیاست تظهير رژیم پهلوی، با هدفی که اشاره کردیم در دستور کار رسانه های وابسته به دشمنان انقلاب اسلامی قرار گرفت. اتخاذ این سیاست با دورویکرد اساسی همراه بود: نخست، موجه جلوه دادن عملکرد شاه و پدرش از طریق ارائه یک نسخه کاملاً یکجانبه و مثبت از فعالیت های آن ها و دوم، حذف تمامی سر فصلهای تاریخی که به نوعی ارائه کننده چهره اصلی این دونفر محسوب می شوند.

آنچه می بینند، آنچه نمی بینند!

در نسخه های رسانه ای ارائه شده، به خصوص در عرصه فیلم های مستند در باره رضاخان و محمدرضا، عمدتاً سعی بر آن است

چرا انقلاب اسلامی در سال ۵۷ به وقوع پیوست؟ مردم با حضور فراگیر در عرصه انقلاب، در پی نفی چه خصوصیتی در ساختار حاکمیت بودند؟ آیا آن چنان که برخی شبکه های ماهواره ای تبلیغ می کنند، دلزدگی از خوشی ها و فضای باز سیاسی در دهه ۵۰، مردم را به پیوستن به جریان انقلاب سوق داد؟ آیا انقلاب اسلامی به اتفاقی ساده که می توانست روی ندهد شباهت دارد یا حامل و نتیجه روندی تاریخی است؟

جواد نوابیان رودسری